بررسی

نگاهی به کتاب «۲۳ نکته مکتوم سرمایه‌داری»

سرمایه‌داری آری، شیفتگی به سرمایه‌داری نه

جواد لگزیان

هاجون چنگ استاد کرسی اقتصاد دانشگاه کمبریج انگلستان در کتاب «۲۳ نکته مکتوم سرمایه‌داری» برای ساختن دوباره اقتصاد در سطوح جهانی پیشنهادهایی دارد. این کتاب که پیش از این با ترجمه ناصر زرافشان با عنوان «۲۳ گفتار درباره سرمایه‌داری» از سوی نشر مهروسپاوا وارانه بازار شده بود، این‌بار با ترجمه میرمحمود نبوی و مهرداد شهابی منتشر شده است. با هم مروری به توصیه‌های هاجون چنگ

نخست سرمایه‌داری ضابطه‌مندتر: انگیزه سودبردن هنوز قدرتمندترین و موثرترین سوختی است که به اقتصاد توان می‌بخشد و باید از آن به‌طور کامل بهره‌مندی کرد. بنابراین، سرمایه‌داری آری، اما لازم است به رابطه شیفته‌وار با سرمایه‌داری مهارنشده بازار آزاد که چنین بد به بشریت خدمت کرد، پایان داد و نوعی سرمایه‌داری ضابطه‌مندتر را برپا کرد. اینک این نوع سرمایه‌داری جایگزین، چه خواهد بود به اهداف، ارزش‌ها و باورهای ما بستگی دارد.

دوم: نظام اقتصادی نوین را باید بر اساس این بازشناخت بنا کرد که خردمندی انسان بسیار محدود است. بحران سال ۲۰۰۸ نشان داد که چگونه پیچیدگی جهانی به‌ویژه در عرصه مالی، از توانایی ما در درک و کنترل این جهان پیچیده وسیعا پیشی گرفته است. در پی توصیه اقتصاددانی که باور دارند توانایی انسان برای پرداختن به پیچیدگی‌ها لسلما نامحدود است، در نظام اقتصادی ما تجدیدنظر شد و همین امر منجر به سقوط سهمگین این نظام اقتصادی شده است. اگر در بیشگیری از بحران دیگری نظیر فروپاشی سال ۲۰۰۸ واقعا جدی باشیم، کافی نیست که لزوم مالی پیچیده را ممنوع کرد، مگر آنکه بتوان بدون ابهام نشان داد لزوم مالی خاصی در درازمدت بدفع جامعه است. برخی این ایده را گستاخانه خوانده و مردود خواهند شمرد، اما چنین نیست. ما در مورد سایر کالاها نیز همین کار را می‌کنیم: آیا استانداردهای ایمنی مواد غذایی، داروها، خودروها و هواپیماها برای نفع درازمدت جامعه نیست؟ حامل این ایده یک فرآیند تایید است که در آن اثر هر یک از ابزارهای مالی جدید که به دست «دانشمندان اعجوبه»ی درون بنگاه‌های مالی سرهم‌بندی می‌شود از بابت ریسک‌ها و مزایای درازمدت نظام ارزیابی می‌شود و نه صرفا بر حسب سودهای کوتاه‌مدت همان بنگاه‌ها.

سوم: در عین اذعان به اینکه مافرشنگی از خودگذشته نیستیم، باید نظامی بنا کرد که باعث ظهور بهترین ویژگی‌های مردم شود و نه بدترین ویژگی‌ها. باید نظامی بنا کرد که ابدوختن ثروت مادی از جیبی گیرد اما اجازه ندهد یگانه هدف باشد. سازمان‌ها- چه شرکت‌ها و چه ادارات دولتی- باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که اعتماد، همبستگی، شرافت و همکاری میان اعضایشان را اجر گذارند. باید با اصلاح نظام مالی از نفوذ سهامداران کوتاه‌مدت کاست. به‌طوری که شرکت‌ها بتوانند اهدافی جز بیشینه‌سازی سود کوتاه‌مدت را دنبال کنند. خوب است رفتارهایی (مانند کاهش مصرف انرژی و سرمایه‌گذاری در عرصه آموزش‌های حرفه‌ای) را که متضمن منافع اجتماعی است، تفقند با یارانه‌های دولتی بلکه با اعطای جایگاه اجتماعی والاتری نیز پاداش دهیم. این یک بحث صرفا اختلافی نیست، بلکه توسل به نفع شخصی نیز هست، اما از نوعی که همراه با روشن‌بینی است. اگر بگذاریم منافع شخصی کوتاه‌مدت بر

ادامه در صفحه ۹

یادداشت یک

ترجمه‌ای «اصیل» از پدیدارشناسی «هایدگر»

محمد زارع شیرین کندی

هایدگر شاگرد و لنده هندی، چینی و ژاپنی داشته اما مایه تلسف است که افتخار شاگردی در نزد هایدگر و گوش‌جان سپردن حضوری به سخنان سحار متفکر سترگ قرن بیستم نصیب هیچ ایرانی نشده است. شمار کسانی هم که شاگرد برخی از شاگردان مهم و برجسته هایدگر بوده‌اند، شاید به عدد انگشتان دست نرسد. یکی از این اندکشماران، پروین ضیاء شهابی است که اندیشه‌های دیگران را زمان یکی از متبحران و متخصصان دقیق اینها، فردینان ویلهلم فن هرمن آلمانی، شنیده و به گفته خودش، «سال‌ها به شاگردی آن استاد بارع شاد بوده است». از سوی دیگر، وی کتاب احمد فردید، اولین معرف هایدگر به جامعه فکری- فلسفی ایران را به خوبی درک کرده است. یعنی فردید قبل از انقلاب و فردید بعد از انقلاب را.

نام پروین ضیاء شهابی در کنار نام احمد فردید و رضا داوری‌اردکانی- که با آرمای هایدگر آشنا هستند- نیز در کنار نام همنام او، آن گمنام و غریب درطول خویش، پرویز عماد که خود هایدگرشناس در مقیاس جهانی و در ردیف کسانی نظیر دن هرمن، گلن گری، ریچارد سون و یکلر است ولی متاسفانه هیچ اثری در این موضوع مهم به زبان ایرانیان نتوشته است- به ذهن هر علاقمند ایرانی به تفکر هایدگر خطور می‌کند و خواهد کرد. هرچند وی به دلیل دقت و وسواس بیش از حد آثار نادری را پدید آورده است اما ترجمه دو کتاب از هایدگر و تالیف چند مقاله در این آشفته بازار ترجمه و اوضاع آشوبناک تالیف، امری بسیار مغتنم و ارزشمند است و حقیقتا به آب زلالی می‌ماند که جویندگان راستینش باقتدا و خواهند یافت.

پروپز ضیاء شهابی در حوزه هایدگرشناسی و هایدگرپژوهی، تاکنون هیچ ادعایی نداشته و ندارد و همواره خود را شاگرد معرفی می‌کند اگرچه انتقادات مهمی به کیفیت ترجمه آثار هایدگر داشته و دارد. همین امر قاعدتا باید الگویی رفتاری و مایه‌ر امی‌آموزی برای کسانی باشد که در مقدمه آغازین ترجمه‌ها با تالیفشان درباره هایدگر، پیش از هر چیز نامسرایی را نثار فردید می‌کنند، سپس به جنگ معادل‌های گاه بسیار دقیق او می‌روند و معادل‌های منتخب مضحکشان را در جای آنها می‌نشانند. در میانه کار خود را به خوانندگان هایدگرشناس می‌شانند و شایان توجه اینکه در پایان با چند جمله سخیف، هایدگر را هم انکار می‌کنند و از اینکه مبادا کسی آنها را «هایدگری» بداند، از او به سهولت عبور می‌کنند و خودشان را به اصطلاح، همفکر! بزرگان خوش‌نام غرب قلمداد می‌کنند نه هایدگر بدنام!

با وجود این، ضیاء شهابی، برخلاف استادش فردید، هرگز با هایدگر علیه کسی، فکری و عقیده‌ای نجنگیده و نمی‌جنگد. نیز با هایدگر برینش، وش و منشی را تأیید و تصدیق نکرده است. شاید، به‌رغم علاقه‌مندی و ارادتش به مرحوم فردید، از کوچه و بازاری‌شدن اندیشه‌های هایدگر در این کشور «خاورمیانه‌ای»- که فردید باقی و باعث اصلی‌اش بود- چندان راضی نباشد. زیرا کار فردید و کشاندن پای هایدگر به وسط دعواها و معرکه‌های سیاسی و ایدئولوژیک اوایل انقلاب، نحوه مواجهه صحیح با هایدگر را دچار مشکلات مضاعف کرد و آسیب‌های جدی به فهم دقیق و منصفانه و عاری از کر و بغض افکار غاضض و دشوار هایدگر وارد کرد. مگر نه این است که مخاطبان اولیه و زمانی است سخنان هایدگر، خواص حاسب تفکر و اهل درد عالم کنونی بوده و هستند نه اهل سودا و غوغا و بلوا؟ مگر نه این است که هایدگر حاصل تلاملش را برای مستعدترین اذهان قرن بیستم، به شخصیت‌هایی مانند گادامر، آرنت، مارکوزه، کارل لووینت، هانس یوناس، شان بوفره و والتر بیمل، گلن‌گری، فن هرمن و غیره- که بعدها عمدتا جزو بزرگان و نامداران قرن نه شمار آمدند- بیان می‌کرده است نه به بینندگان تلویزیون و شنوندگان رادیو؟ متاسفانه اخیرا برخی افرادی، در ادامه راه فردید، سخنان هایدگر را با آبوتاب فراوان در رسانه‌های عمومی نقل می‌کنند که مسلما فایده‌ای جز افزودن بر آشفتگی‌ها و پریشانی‌های فکری نخواهد داشت!

باری، ضیاء شهابی، آرام و بدون هیاهوی مطبوعات و رسانه‌ها در کنج خلوت خویش، آثار هایدگر را مطالعه و بررسی می‌کند و گویی نیک می‌داند که هایدگر و تفکر او نیازی به تبلیغات و جار و جنجال ندارد و به آینده متعلق است. تفکر هایدگر، به گفته نیچه، یا پای کبوتر نداشته که عمدا چنان بنویسد که کسی نفهمد بلکه خود مطلب او را واداشته تا این زبان را اختیار کند. البته معلوم است که برای خود هایدگر نیز این کار دشوار بوده چنان که اشاراتی نیز در این زمینه داشته: «ما فصلی که بنا بود با عنوان زمان و وجود در فصل سوم از بخش دوم وجود و زمان نوشته شود، نوشته نشد، چون نمی‌توانست بنویسد.

■ آقای یازوکی، چرا کتاب «مسایل اساسی پدیدارشناسی» را برای ترجمه به دکتر ضیاءشهابی پیشنهاد کردید؟

بهمن یازوکی: بنا برطرحی که هایدگر در صفحه ۳۹ کتاب «وجود و زمان» ارایه می‌دهد، قرار بود که این کتاب از دو بخش عمده و در هر بخش از سه فصل اصلی تشکیل شود. هایدگر در سه فصل بخش اول به تفسیر زمان‌مندی دازاین و توضیح زمان به منزله افق استعلایی پرسش از وجود می‌پردازد و سه فصل بخش دوم را به واسازی پدیدارشناختی تاریخ وجودشناسی بر اساس زمان‌مندی وجود اختصاص می‌دهد. هایدگر فصل اول و دوم از بخش اول را می‌نویسد و فصل سوم را که عنوانش «زمان و وجود» است و موضوعش زمان به منزله افق فهم وجود است، ناتوشته می‌گذارد. از این رو کتاب «وجود و زمان» که امروز در دست داریم کتاب ناقصی است. متنها چاپ ۳۷ از مجموعه آثارش به قول فن هرمن و بسیاری دیگر از شارحان هایدگر، تا حدودی همان فصل سوم از بخش اول است. در اینجا بی‌مناسبت نیست تا توضیحی درباره نحوه شکل‌گیری مجموعه آثار بدهیم. ناشر مجموعه آثار هایدگر با قراردادی که در سال ۱۹۷۳ با او بست انتشار مجموعه آثار او را به عهده گرفت و توانست با انتشار جلد ۳۴ در سال ۱۹۷۵ انتشار یک چنین مجموعه‌ای را در سطح آکادمیک تثبیت کند. مجموعه آثار حدود ۱۰۲ جلد است که تاکنون حدود ۸۸ جلد منتشر شده و ۱۴ جلد آن باقی مانده است. بنا بود این مجموعه در چهار بخش منتشر شود: بخش اول ۱۶ جلد، بخش دوم ۲۶ جلد، بخش سوم ۸۱ جلد و بخش چهارم ۲۱ جلد. البته برخی حاشیه‌ها در موجد به چاپ رسیده و آخرین اثری که منتشر شده «دفترهای سیاه» است در سه جلد. هایدگر بسیار اصرار داشت که انتشار این مجموعه با بخش دوم که اختصاص به درگفتارهای او دارد، آغاز شود. او معتقد بود درگفتارهایش خط اصلی برای فهم دیگر آثار او هستند. بنابراین به نظر من اگر کسی در ایران قصد دارد که اندیشه هایدگر را منتشر کند، بهتر است به جای ترجمه آثار کوتاه و سخت‌فهمش با ترجمه درگفتارها این مسیر را ادامه دهد.

■ پس پیشنهاد شما به آقای دکتر برای ترجمه این کتاب، فراهم آوردن زمینه فهم آثار هایدگر بود؟

بهمن یازوکی: دقیقا همین‌طور است. به بر حال در هر دو متن از فن هرمن درس خوانده بودیم و او نیز این کتاب را فصل سوم از بخش اول «وجود و زمان» می‌دانست و تاکید داشت که این کار اصیل مهمی است.

پرویز ضیاءشهابی: آقای یازوکی به درستی گفتند که برای ما بخش دوم بسیار مهم‌تر است. به این دلیل که این بخش درگفتارهای هایدگر را در دانشگاه‌های ماربورگ و فرایبورگ از ۱۹۲۳ به بعد نشاهل می‌شود. این درگفتارها کلید فهم هایدگر را به دست می‌دهد و بسیاری از اینها چنان که از عنوان‌شان پیداست، تفسیر پدیدارشناسانه از متون فلسفی غربی است. درگفتارهای دیرتر افلاطون، ارسطو، سن‌آگوستین، لایبنیتس، پدیدارشناسی روح هگل یا حتی درباره نوشته مهم کانت شلینگ. در میان درگفتارهای هایدگر، جلد ۲۴ برجستگی و امتیاز خاصی دارد. نخست اینکه هایدگر پس از انتشار وجود و زمان این درگفتارها را در ماربورگ برگزار کرده است و پس از عنوان درگفتار

پرویز ضیاءشهابی: نثر فصیح و سلیس فروغی که برای من از گذشته‌ها بسیار لذت‌بخش بوده مرا وادار به تفکر جدی فلسفی نمی‌کند. نثری نیست که ما مجبور کند از روی مطالب چندبار بخوانم و ناگزیر باشم درباره آن مطلب بیشتر فکر کنم. به نظر خوب نیست کتاب فلسفی به هدف راحتی خوانده شود که یک قصه عاشیانه خوانده می‌شود

ستایش زده شده و در پاقوشت توضیح داده که این کتاب کوشش تازه‌ای است برای نگارش فصل سوم از بخش دوم نیمه اول وجود و زمان که نانوشته مانده است. البته هایدگر قصد داشت در این فصل از مطالبی را که در رئوس مطالب این بحث ذکر کرده تدریس کند. در بخش اول بررسی انتقادی- پدیدارشناسانه اقوال بزرگان قدیم دربارهٔ وجود را بررسی کرده اما بخش دوم ظاهرا فقط فصل اول تفصیل یافته. در این بخش باید با عبورنشدن در هریک از فصل‌های بخش اول به مسایل مطرح‌شده خاص خودش می‌رسید. البته بخشی از این فصل که به توضیح و تفسیر رساله ارسطو در اسماع طبیعی (فوسیک آکروآسیس) درباره زمان اختصاص دارد به تفصیل در بحث آمده است. اما درباره بخش‌های دیگر که فرصتی باقی نمانده بود به اجمال آمده است. اثر ارسطو شاید و سرنوشتی‌ها به دستخاده شده که می‌توان گفت شبحی از مطالب به دست خوانده می‌آید. بخش سوم که باید طی چهار فصل به توضیح معنای روش پدیدارشناسی می‌پرداخت، به اختصار هرچه تمام‌تر گفته شده است. همچنین در ابتدای درگفتار اشاره به سه گام اصلی در روش پدیدارشناسی شده است و می‌توان گفت حق مطلب چنانچه نداشته که عمدا چنان بنویسد که کسی نفهمد بلکه خود مطلب او را واداشته تا این زبان را اختیار کند. البته معلوم است که برای خود هایدگر نیز این کار دشوار بوده چنان که اشاراتی نیز در این زمینه داشته: «ما فصلی که بنا بود با عنوان زمان و وجود در فصل سوم از بخش دوم وجود و زمان نوشته شود، نوشته نشد، چون نمی‌توانست بنویسد.

■ آقای یازوکی، چرا کتاب «مسایل اساسی پدیدارشناسی» را برای ترجمه به دکتر ضیاءشهابی پیشنهاد کردید؟

بهمن یازوکی: بنا برطرحی که هایدگر در صفحه ۳۹ کتاب «وجود و زمان» ارایه می‌دهد، قرار بود که این کتاب از دو بخش عمده و در هر بخش از سه فصل اصلی تشکیل شود. هایدگر در سه فصل بخش اول به تفسیر زمان‌مندی دازاین و توضیح زمان به منزله افق استعلایی پرسش از وجود می‌پردازد و سه فصل بخش دوم را به واسازی پدیدارشناختی تاریخ وجودشناسی بر اساس زمان‌مندی وجود اختصاص می‌دهد. هایدگر فصل اول و دوم از بخش اول را می‌نویسد و فصل سوم را که عنوانش «زمان و وجود» است و موضوعش زمان به منزله افق فهم وجود است، ناتوشته می‌گذارد. از این‌رو کتاب «وجود و زمان» که امروز در دست داریم کتاب ناقصی است. متنها چاپ ۳۷ از مجموعه آثارش به قول فن هرمن و بسیاری دیگر از شارحان هایدگر، تا حدودی همان فصل سوم از بخش اول است. در اینجا بی‌مناسبت نیست تا توضیحی درباره نحوه شکل‌گیری مجموعه آثار بدهیم. ناشر مجموعه آثار هایدگر با قراردادی که در سال ۱۹۷۳ با او بست انتشار مجموعه آثار او را به عهده گرفت و توانست با انتشار جلد ۳۴ در سال ۱۹۷۵ انتشار یک چنین مجموعه‌ای را در سطح آکادمیک تثبیت کند. مجموعه آثار حدود ۱۰۲ جلد است که تاکنون حدود ۸۸ جلد منتشر شده و ۱۴ جلد آن باقی مانده است. بنا بود این مجموعه در چهار بخش منتشر شود: بخش اول ۱۶ جلد، بخش دوم ۲۶ جلد، بخش سوم ۸۱ جلد و بخش چهارم ۲۱ جلد. البته برخی حاشیه‌ها در موجد به چاپ رسیده و آخرین اثری که منتشر شده «دفترهای سیاه» است در سه جلد. هایدگر بسیار اصرار داشت که انتشار این مجموعه با بخش دوم که اختصاص به درگفتارهای او دارد، آغاز شود. او معتقد بود درگفتارهایش خط اصلی برای فهم دیگر آثار او هستند. بنابراین به نظر من اگر کسی در ایران قصد دارد که اندیشه هایدگر را منتشر کند، بهتر است به جای ترجمه آثار کوتاه و سخت‌فهمش با ترجمه درگفتارها این مسیر را ادامه دهد.

■ پس پیشنهاد شما به آقای دکتر برای ترجمه این کتاب، فراهم آوردن زمینه فهم آثار هایدگر بود؟

بهمن یازوکی: دقیقا همین‌طور است. به بر حال در هر دو متن از فن هرمن درس خوانده بودیم و او نیز این کتاب را فصل سوم از بخش اول «وجود و زمان» می‌دانست و تاکید داشت که این کار اصیل مهمی است.

پرویز ضیاءشهابی: آقای یازوکی به درستی گفتند که برای ما بخش دوم بسیار مهم‌تر است. به این دلیل که این بخش درگفتارهای هایدگر را در دانشگاه‌های ماربورگ و فرایبورگ از ۱۹۲۳ به بعد نشاهل می‌شود. این درگفتارها کلید فهم هایدگر را به دست می‌دهد و بسیاری از اینها چنان که از عنوان‌شان پیداست، تفسیر پدیدارشناسانه از متون فلسفی غربی است. درگفتارهای دیرتر افلاطون، ارسطو، سن‌آگوستین، لایبنیتس، پدیدارشناسی روح هگل یا حتی درباره نوشته مهم کانت شلینگ. در میان درگفتارهای هایدگر، جلد ۲۴ برجستگی و امتیاز خاصی دارد. نخست اینکه هایدگر پس از انتشار وجود و زمان این درگفتارها را در ماربورگ برگزار کرده است و پس از عنوان درگفتار

پرویز ضیاءشهابی: نثر فصیح و سلیس فروغی که برای من از گذشته‌ها بسیار لذت‌بخش بوده مرا وادار به تفکر جدی فلسفی نمی‌کند. نثری نیست که ما مجبور کند از روی مطالب چندبار بخوانم و ناگزیر باشم درباره آن مطلب بیشتر فکر کنم. به نظر خوب نیست کتاب فلسفی به هدف راحتی خوانده شود که یک قصه عاشیانه خوانده می‌شود

توضیح داده شده و در پاقوشت توضیح داده که این کتاب کوشش تازه‌ای است برای نگارش فصل سوم از بخش دوم نیمه اول وجود و زمان که نانوشته مانده است. البته هایدگر قصد داشت در این فصل از مطالبی را که در رئوس مطالب این بحث ذکر کرده تدریس کند. در بخش اول بررسی انتقادی- پدیدارشناسانه اقوال بزرگان قدیم درباره وجود را بررسی کرده اما بخش دوم ظاهرا فقط فصل اول تفصیل یافته. در این بخش باید با عبورنشدن در هریک از فصل‌های بخش اول به مسایل مطرح‌شده خاص خودش می‌رسید. البته بخشی از این فصل که به توضیح و تفسیر رساله ارسطو در اسماع طبیعی (فوسیک آکروآسیس) درباره زمان اختصاص دارد به تفصیل در بحث آمده است. اما درباره بخش‌های دیگر که فرصتی باقی نمانده بود به اجمال آمده است. اثر ارسطو شاید و سرنوشتی‌ها به دستخاده شده که می‌توان گفت شبحی از مطالب به دست خوانده می‌آید. بخش سوم که باید طی چهار فصل به توضیح معنای روش پدیدارشناسی می‌پرداخت، به اختصار هرچه تمام‌تر گفته شده است. همچنین در ابتدای درگفتار اشاره به سه گام اصلی در روش پدیدارشناسی شده است و می‌توان گفت حق مطلب چنانچه

از چپ: ضیاءشهابی و بهمن یازوکی، عکس: شهریار شاهین

«مسایل اساسی پدیدارشناسی، جلد بیست‌وچهارم از مجموعه درسگفتارهای هایدگر است که در دو بخش جمع‌آوری شده: در بخش نخست با عنوان بحث پدیدارشناسانه- تقابلاته در برخی قول‌های مأثور در باب وجود، در چهار فصل «قول کانت، وجود محمولی ماهوی نیست»، «قول بودن است به ارسطو و نقد فرمی‌شناسی قرون وسطایی»، سازوبنهای وجودی هر موجود را چه بودن است و چه بودن»، «قول مفسول در هرمی‌شناسی دوران جدید، نحوه‌های اساسی وجود، وجود طبیعت است و وجود روح» و «قول منطق: از دوراه هر موجود به هر نحو که موجود باشد به زمان باشد می‌توان بدواسطه است؛ سخن گفت؛ تنظیم شده است. و بخش دوم کتاب با عنوان «پرسش فرمی‌شناختی بنیادین از معنای وجود به طرح کلی ساختارها و نحوه‌های اساسی وجود» به درباره این کتاب با آنها گفت‌وگویی داشته باشیم. پرویز ضیاءشهابی و بهمن یازوکی در دانشگاه فرایبورگ، دانشگاهی که هایدگر، شاگردان و شارحان او در آنجا حضور داشتند، «فلسفه خواندند؛ بر سر کلاس شاگردان و مفسران بزرگ هایدگر همچون فن هرمن، آنچه در ادامه می‌آید بخشی از میزگرد پرویز ضیاءشهابی و بهمن یازوکی است که بدون همکاری اسکندر صالحی سرپرست این میزگرد و نزدیک به سه‌ساعت ادامه داشت و ویراستاری شده است. همچنان ادامه پیدا خواهد کرد. بحث بر سر زبان و نثر هایدگر و آثار او در نوجه آثارش و ترجمه و شرح و توضیح روش کلی بحث هایدگر بود، اما از این موضوع هم فراتر رفت و پای تاریخ هایدگر و رسیدن فلسفه به شعر در هایدگر مناتخر نیز به بحث باز شد.

یادداشت دو

چهار نکته در حاشیه

رحمان بوذری

یک: مشهور است که هایدگر سخت‌نویس است و دشوارفهم. خواندن آثار او انضباط فکری و دقت نظری می‌طلبد. هربرت اسپیگلبرگ در کتاب جنبش پدیدارشناسی (ترجمه مسعود علیا) این‌بار به‌درستی می‌نویسد: «عظیم‌ترین مانعی که بر سر راه هرگونه تلاش برای فهم هایدگر، مخصوصا هایدگر دوره تعیین‌کننده میانی، وجود دارد یقینا مانعی زبانی است. خواننده که تسلط قوی‌اعاده بر زبان آلمانی ندارد نمی‌تواند توقع داشته باشد که به کنه معنی زبان هایدگر و دلالت‌های ضمنی ناتوپنمام این زبان راه برد. تاخیری که در ترجمه‌های انگلیسی آثار هایدگر وجود داشت، آشکارا به این معضل اساسی مربوط می‌شد؛ به‌دین‌ترتیب، ما با متفکری طرف نیستیم که خواندن آثار او به زبان اصلی‌اش با حتی زبان غالب انگلیسی نیز بی‌دردسر باشد. اسپیگلبرگ در این‌باره تا آنجا پیش می‌رود که معتقد است سبک نگارش هایدگر تقریبا ایجاب می‌کند به زبان آلمانی رایج ترجمه شود و حتی خود آلمانی‌زبان‌ها را هم غالبا به زحمت می‌اندازد.

دو: در ایران چه بر سر هایدگر می‌آید؟ بیایید این سؤال را به میلچی «مسایل اساسی پدیدارشناسی» ترجمه پرویز ضیاءشهابی بررسی کنیم. نمونه مذکور می‌تواند سرنخی به‌دست دهد از وفادارترین پروژه‌ها به هایدگر که همزمان اگر نه یکی از ناخوانترین که به‌طرز متناقض‌نمایی دقیق و ناخوانامت. در نفی ملغمه هایدگر و عرفان در دو دهه گذشته و «وجود و زمان» و جلد ۲۴ درسگفتارها بارز است. در آثار درویه اخیر هایدگر درست دیگری پیدا می‌کند. اما خیال باطل است اگر لسان گمان برد در این آثار، نظم در کار نیست؛ منتها نظمی به مقتضای تفکر ریاضی تفاوت دارد.

■ چرا از منظر فهم هرمنوتیکی و حتی برخی از آکادمیسین‌های ما گفته می‌شود هایدگر مشکل است و یا برخی تعابیر، فلسفه او را حتی نافهمیدنی تلقی می‌کنند.

بهمن یازوکی: سؤال اساسی هایدگر پرسش از وجود است. او با چنین پرسشی در عین حال تاریخ فلسفه را نقد می‌کند. او از آغاز با بیان تفکرش با همین سؤال مشخص پیش رفته و از راه‌های مختلف به آن پرداخته است. ولی در اینکه خواندن هایدگر سخت است، چند نظر وجود دارد: عده‌ای بر این باورند که او چرندیات گفته است. حب تکلیف با این‌دسته مشخص است و با آنها کاری نداریم. اما سایر کسانی که او را جدی می‌گیرند و به نظرم باید بهای آن را بپردازند. مشکل امروز ما در دانشگاه‌های ایران هم بر همین منوال است. عده‌ای گمان می‌کنند چون دکتر یا مهندس نشده‌اند می‌توانند فلسفه بخوانند چراکه با اتکا به جملات قصاری که اینجا و آنجا خوانده‌اند گمان می‌برند شیرین‌تر است. بنابراین تا قضیه را جدی نگیریم به نتیجه‌ای نمی‌رسیم. با خواندن تاریخ فلسفه نیز راه به‌جایی نمی‌بریم و فلسفه را همچنان جدی نمی‌گیریم. مشکل همین بیشتر است که در دانشگاه‌ها اصلا متوجه نشده نمی‌شود.

■ بنا به نظر برخی مترجمان در ایران بعوبژه در مورد هایدگر هاگاه گرد او شکل گرفته که مانیع از برخورد درست با آثار او می‌شود. گذشته از فضای سیاسی‌زدگی در دهه ۷۰ حول‌وحوش او بوجود آمد، مواجهه دقیق نیز با این فیلسوف در ایران شکل نگرفت. شاید بتوان علت اصلی این عدم شناخت را نه به دعواهای سیاسی آن دوره بلکه به نحوه معرفی هر دو از ایران نسبت داد. هاله فلسفه آلمانی معمولا با عبور از جهان آنگلوساکسون برداشته می‌شود. اما هایدگر در این امر بسیر از او سر نمی‌گذراند و به این ترتیب فلسفه او بدل به چیزی را آلود و دست‌نیافتنی می‌شود.

بهمن یازوکی: خیر. اصلا اینطور نیست. چیز عجیبی می‌گویید. یعنی ما فلسفه (روایی را تنها به‌واسطه زبان انگلیسی می‌توانیم بفهمیم؟

■ نه، منظور عبور از جهان انگلیسی‌زبان است. به این اعتبار که شما حتی اگر زبان آلمانی بدانید فهم هایدگر از معبر جهان آنگلوساکسون میسر می‌شود. مسأله صرف نداشتن آلمانی یا هر زبان اروپایی دیگر نیست.

بهمن یازوکی: در ایران؟

■ در ایران این مسأله حادتر می‌شود. ما به مدد جهان آنگلوساکسون است که با فلسفه اروپایی ارتباط برقرار می‌کنیم. بحث ما صرف دانستن زبان آلمانی برای فهم هایدگر، هگل یا کانت نیست. متأل خوبی که می‌توان در این زمینه ذکر کرد فهم کانت از طریق کتاب اشتفان کورنر (با ترجمه عزت‌الله فولادوند) است. هنوز دست‌رس نیست ولی تفکر کانت در ایران با کژفهمی مواجه نمی‌شود. اما اگر به هایدگر برگردیم؛ مسأله گردن‌دن هسته تفکر هایدگر با این قطعات باقی مسأله است. به عبارت دیگر می‌خواهیم بدین بحث را به هسته‌ای درون تفکر خود هایدگر پیوند بزنیم که نسبتی دارد با نحوه معرفی او در ایران نسبت به کسانی که در اصل بوده است. البته چیزی نیست جز شعر. هایدگر نهایتا از فلسفه به شعر می‌رسد. همین نکته است که در ایران نیز او را به عنفکری جذاب و دور از دسترس بدل می‌کند.

بهمن یازوکی: ولی کلفت که به شعر نمی‌رسد، با وجود این فهم کلفت یا هگل نیز آسان نیست.

■ دقیقا مساله همین‌جاست. شاید به همین دلیل در ایران این مسأله در مورد کانت شکل نمی‌گیرد. چون تفکر او را به چیزی جز فلسفه نمی‌دهد.

پرویز ضیاءشهابی: شماطملب را مسلم می‌گیرید که هایدگر و کانت

از چپ: ضیاءشهابی و بهمن یازوکی، عکس: شهریار شاهین

«مساله فرق‌شناختی» می‌پردازد. هایدگر، در بند هفتم مبحث دوم پیشگفتار کتاب «وجود و زمان» به مسایل روش‌شناسانه این کتاب پرداخته و در توضیح روش کارش، «پدیدارشناسی خاص» دیدن را مختصر طرح کرده است: هایدگر کمی پس از انتشار «وجود و زمان» در سال ۱۹۲۷، در درسگفتارهای تابستان ۱۹۲۷ در دانشگاه ماربورگ، عنوان موضوع را با تفصیل بیشتری شرح داد. این درسگفتار با عنوان «مسایل اساسی پدیدارشناسی»، جلد ۲۴ مجموعه آثار او شناخته می‌شود که در سال ۱۹۷۵ منتشر شد. این کتاب اخیرا به ترجمه پروژ ضیاءشهابی از آلمانی به فارسی منتشر شده است. چنان که در مقدمه مترجم آمده، پیشنهاد ترجمه این کتاب را بهمین پازوکی به ایشان داده و به همین منظور برای تبیین روئوس اصلی کتاب، سراغ ایشان رفتیم تا درباره این کتاب با آنها گفت‌وگویی داشته باشیم. پرویز ضیاءشهابی و بهمن یازوکی در دانشگاه فرایبورگ، دانشگاهی که هایدگر، شاگردان و شارحان او در آنجا حضور داشتند، «فلسفه خواندند؛ بر سر کلاس شاگردان و مفسران بزرگ هایدگر همچون فن هرمن، آنچه در ادامه می‌آید بخشی از میزگرد پرویز ضیاءشهابی و بهمن یازوکی است که بدون همکاری اسکندر صالحی سرپرست این میزگرد و نزدیک به سه‌ساعت ادامه داشت و ویراستاری شده است. همچنان ادامه پیدا خواهد کرد. بحث بر سر زبان و نثر هایدگر و آثار او در نوجه آثارش و ترجمه و شرح و توضیح روش کلی بحث هایدگر بود، اما از این موضوع هم فراتر رفت و پای تاریخ هایدگر و رسیدن فلسفه به شعر در هایدگر مناتخر نیز به بحث باز شد.

میزگردی با حضور پرویز ضیاءشهابی و بهمن یازوکی به‌مناسبت ترجمه جلد ۲۴ درسگفتارهای هایدگر

درباره هایدگر پدیدارشناس

سهند ستاری

«مسایل اساسی پدیدارشناسی»، جلد بیست‌وچهارم از مجموعه درسگفتارهای هایدگر است که در دو بخش جمع‌آوری شده: در بخش نخست با عنوان بحث پدیدارشناسانه- تقابلاته در برخی قول‌های مأثور در باب وجود، در چهار فصل «قول کانت، وجود محمولی ماهوی نیست»، «قول بودن است به ارسطو و نقد فرمی‌شناسی قرون وسطایی»، سازوبنهای وجودی هر موجود را چه بودن است و چه بودن»، «قول مفسول در هرمی‌شناسی دوران جدید، نحوه‌های اساسی وجود، وجود طبیعت است و وجود روح» و «قول منطق: از دوراه هر موجود به هر نحو که موجود باشد به زمان باشد می‌توان بدواسطه است؛ سخن گفت؛ تنظیم شده است. و بخش دوم کتاب با عنوان «پرسش فرمی‌شناختی بنیادین از معنای وجود به طرح کلی ساختارها و نحوه‌های اساسی وجود» به

■ کلمل با شرحی بر وجود و زمان؟

بهمن یازوکی: همانطور که گفتم مکمل است. به این دلیل که در این کتاب فصل سوم از بخش اول از دو بخش اصلی وجود و زمان اداعه پیدا می‌کند.

پرویز ضیاءشهابی: فن هرمن تاکید داشت به‌رغم انتقادهایی که هایدگر پس از انتشار «وجود و زمان» بر خود وارد کرده بود (چیزی که خودش به کتاب تاویل کرده است) باید گفت همچنان کتاب اصلی او همان «وجود و زمان» است و تا کسی بر «وجود و زمان» احاطه و اشراف نظر نداشته باشد نمی‌تواند مطالب بعدی هایدگر را بفهمد. گرچه هایدگر در مطالب بعدی به مراحل دیگری رسیده است. خودش نیز تاکید داشت که احاطه به «وجود و زمان» شرط فهم کتاب‌های بعدی است. مطالبی که در وجود و زمان مبهم مانده یا فهم‌شان برای خواننده مشکل است، برخی از آنها از طریق این درسگفتار آسان‌تر فهمیده می‌شود. فن هرمن نیز در مورد اشارهای

بهمن یازوکی: سؤال اساسی هایدگر پرسش از وجود است. او با چنین پرسشی در عین حال تاریخ فلسفه را نقد می‌کند. او از آغاز با بیان تفکرش با همین سؤال مشخص پیش رفته و از راه‌های مختلف به آن پرداخته است. ولی در اینکه خواندن هایدگر سخت است، چند نظر وجود دارد: عده‌ای بر این باورند که او چرندیات گفته است. حب تکلیف با این‌دسته مشخص است و با آنها کاری نداریم. اما سایر کسانی که او را جدی می‌گیرند و به نظرم باید بهای آن را بپردازند. مشکل امروز ما در دانشگاه‌های ایران هم بر همین منوال است. عده‌ای گمان می‌کنند چون دکتر یا مهندس نشده‌اند می‌توانند فلسفه بخوانند چراکه با اتکا به جملات قصاری که اینجا و آنجا خوانده‌اند گمان می‌برند شیرین‌تر است. بنابراین تا قضیه را جدی نگیریم به نتیجه‌ای نمی‌رسیم. با خواندن تاریخ فلسفه نیز راه به‌جایی نمی‌بریم و فلسفه را همچنان جدی نمی‌گیریم. مشکل همین بیشتر است که در دانشگاه‌ها اصلا متوجه نشده نمی‌شود.

**■ بنا به نظ